

نگاهی به رمان من در پرائنتز نوشته فریبا صدیقیم

پدر در پرائنتز!

پیر بورديو در مورد ساختارهای سلطه و تبعیض جنسی معتقد است مردها با سلاح هایی همچون خشونت بدنی و خشونت نمادین، و زن ها قربانیان ناآگاه خصلت های خود و نهادهایی همچون خانواده، کلیسا، مدرسه و دولت هستند.رمان «من در پرائنتز»، داستان همین سلطه و تبعیض جنسی است. فصل اول رمان وصف



چگونگی مرگ مادر نیلوفر است. برای او، مرگ مادر، مرگ همه چیز است که از همان اولین روز شروع می شود، وقتی که پدر بی توجه به وضعیت روحی نیلوفر به خلوت خودش پناه می برد البته پرواضح است که پدر پیش از مرگ مادر هم چنین شخصیتی داشته، شاید حتی به نوعی خود مادر هم قربانی این دیکتاتور مآبی پدر و البته قربانی پذیرش خودش در مورد این وضعیت از جانب همسرش شده است. شاید همین است که نیلوفر هم ابتدا به صورت ناخودآگاه این پدر سالاری راپذیرفته و تمام زندگیش چالشی می شود برای گریز از سکونی که از پذیرش مطلق پدر سرچشمه گرفته است.

اما تا پیش از مرگ مادر، وجود مادر این فضا را برای او تلطیف کرده.اما با فقدان مادر تسلط پدر به تمام قد در برابر



رضا کیانیان: هیچ وقت بین خودم و دیگران دیوار نکشیده‌ام

هیچ وقت بین خودم و دیگران دیوار نکشیده‌ام، حتی با کسانی که سلیقه‌شان با من متفاوت است هم دوست هستم، به‌عنوان مثال، با حسین فرحبخش دوست هستم، به دفترش می‌روم و باهم آنگوشت می‌خوریم اما در فیلم‌هایش بازی نکردم چون سلیقه‌مان باهم در این مورد متفاوت است. من اصلا فکر نمی‌کنم که دیگران درباره من چه فکری می‌کنند و لذت کارم را زمان اجرا و ساخته شدن می‌برم.

بخشی از سخنان این بازیگر که برای ثبت در تاریخ در بخش تاریخ شفاهی موزه سپینا انجام شده است.

فرهنگسازی برای یک قانون

مسأله کپی‌رایت و رعایت نکردن این قانون بویژه در بخش فرهنگ و هنرصحبت امروز و دیروز نیست؛ مسأله‌ای است که سال‌ها در ایران مناقشات بسیاری بر سر آن درگرفته است و این موضوع در این سال‌ها بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته چرا که ایران جزو کشورهایی است که همچنان به قانون کپی رایبت نپیوسته و بر این اساس وقتی اثر هنری منتشر می‌شود، بدون رعایت حق مؤلف سریعاً دانلود و تکثیر شده و در دست همگان قرار می‌گیرد و همان طور که می‌دانید، خسارات مالی هم برای پدیدآوردندگان آثار هنری به وجود خواهد آورد. ما نیز تلاش کردیم تا قانونی که ده‌ها

از تصویب آن در ایران می‌گذرد، بتواند به مرحله اجرا برسد و اقدامات مهم و قابل توجهی در بخش موسیقی انجام بگیرد و این گونه حمایت خود را از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان اعلام کردیم و این موضوع مورد توجه و بررسی قرار گرفت اما متأسفانه این قانون به شکل اصولی و درست رعایت نمی‌شود به عنوان مثال ارگان مهمی چون صدا و سیما که بخش بزرگی از تولیدات هنری موسیقی و دیگر آثار را مورد استفاده قرار می‌دهد نسبت به پرداخت حقوق مؤلفان خود اهمیتی قائل نیست و در حوزه کپی رایبت قانون‌شکنی می‌کند و به تبع این موضوع به سایر دستگاه‌ها هم سرایت خواهد کرد. آثار موسیقی یک محصول است و از زمان تولید تا انتشار آن هزینه و آورده بسیاری برای سازنده‌اش خواهد داشت، محصولی که شاید بیش از ۳۰ درصد حجم برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی را به خود اختصاص داده است اما برای حفظ آن هیچ‌گونه تدبیری اندیشیده نمی‌شود، بنابراین این قانون باید در ارگان‌های بزرگ مورد توجه قرار بگیرد و رعایت شود تا سایر نهادها هم به آن عمل کنند. در این سال‌ها جمع صنفی خانه موسیقی و کانون ناشران و تهیه‌کنندگان موسیقی برای بهبود اوضاع نشر موسیقی در کشور بارها و بارها درخصوص این موضوع تذکر دادند و

یادداشت



محسن رجب‌پور
مدیرعامل مجمع صنفی تولیدکنندگان آثار موسیقی و شنیداری

مروری بر دفتر شعر «میان جیوه و اندوه»

لیلا کردبیچه/ نشر نگاه

چند ساعت از زندگی

از خودنوشتن و به دیگری اندیشیدن، تکلیف شعر است. تعمیم زیست فردی و خلق هم‌جهانی‌ها می‌تواند مقصد این رویکرد باشد. کوچ اجباری از کلیشه‌های مضمونی و الزامات نوشتاری و تبدیل گزاره‌های زیستی به متن ادبی از مهم‌ترین تظاهرات معاصرت شعر امروز است. ادبیات امروز ناگزیر است که پیش‌قدم قرابت‌ورزی با مخاطب شود و مخاطب نیز، ترس از زربه‌رو شدن با ادبیات را کنار گذاشته است. آنچه از آن به‌عنوان گسست در روابط مؤلف و مخاطب یاد شده است؛ به‌هر دلیل، به نفع ادبیات نبوده است و یکی از معالجت‌های آن که اتفاقاً از اقبال و استقبال نیز برخوردار شد؛ همین احضار روزمرگی‌ها و پیوند زدن زیست‌های فردی به حیات جمعی است. قاعدتاً این انتخاب، موافقان و مخالفانی خواهد داشت. خروج ادبیات از هیمنه متمایز خویش و کمرنگ شدن جلوه‌های فنی آن از جمله مهم‌ترین انتقاداتی است که در برابر این رویکرد بیان شده است اما حفظ کردن اندک مخاطبان شعر و ممانعت از تعمیق فاصله موجود را که «بحران» سه دهه

پشت سر بوده است، می‌توان سوی دیگر این روش و منش دانست.

لیلا کردبیچه از معتقدان به این زیست شعری است و در همه این سال‌ها تجربیات فردی و دریافت‌های اجتماعی خود را در ملایمت‌های زبانی و با تکیه بر موقعیت‌آفرینی‌های عاطفی و دلالت‌های زنانه ارائه کرده است. تازه‌ترین

مجموعه شعر لیلا کردبیچه به‌نام «میان جیوه و اندوه» توسط نشر نگاه منتشر شده است. فلسفه غالب شعرهای این مجموعه، تجسم جهان واقع‌شده‌ای است که شاعر هم از آن گریزان است و هم نمی‌تواند یکسره از آن دل ببرد. در این مجموعه نیز همچون دیگر مجموعه‌های پیش از این، او را شاعری می‌یابیم که با تمرکز بر وجهی اعتراضی از مواجعات عاطفی انسان امروز، در مرزی میان امیدواری و ناامیدی می‌نویسد.

با مرور شعری از این مجموعه، از تأثیرگذاری شاعر بر بسیاری از شاعران هم‌روزگار خویش و ثبت امضای خویش در کارنامه شعر زنان این روزگار یاد می‌کنم: مرا به یاد بیاور/ وقتی به کش‌های کهنه‌ات نگاه می‌کنی/ و مسیرت به سمت آن کوچه بن‌بست کج می‌شود/ وقتی به دکمه‌های پیراهنت دست می‌کشی/ و انگشتان من از راه دور مهربان می‌شوند/ مرا به یاد بیاور/ با اولین بارهای عزیز/ و آخرین بارهای غم انگیز را برای خودم بگذار/ که بهتر از همه می‌توانم ادای فراموشی در بیاورم/ و سال‌ها به نقطه‌ای دور دست خیره بمانم/ یعنی دارم فکر می‌کنم آخرین بار کی دیدمت؟/ و زیرچشمی مرگ را تحت‌نظر بگیرم/ که همین طور بین مان ایستاده است/ سیگار می‌کشد/ و هی این پا و آن پا می‌کند.

پیشنهاد

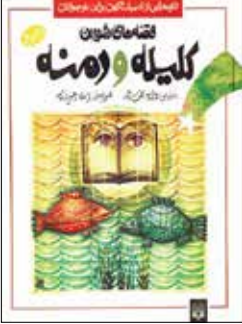


داوود لطف‌الله
نویسنده

کلیله و دمنه یکی از شاهکارهای ادبی فارسی است با داستان‌های بسیار آموزنده. اما زبان این داستان‌ها و این کتاب برای بچه‌های امروز سنگین است و سخت با آن می‌توانند ارتباط برقرار کنند. به‌همین دلیل من مدتی پیش شروع به بازآفرینی داستان‌های این کتاب برای بچه‌ها کردم. داستان‌های کلیله و دمنه سرشار از پند و اندرز است که اگر به زبان امروزی گفته شود بسیار تأثیرگذار است. این داستان‌ها غیرمستقیم و از زبان حیوانات بیان شده است و شخصیت‌های اصلی آن دوتا شغال هستند که یکی از آنها شخصیت مثبتی دارد و دیگری منفی است.

کتاب من یعنی «قصه‌های شیرین کلیله و دمنه» مجموعه داستان‌هایی از همین کتاب است که البته به آن پروبال داده و آنها را بازآفرینی کرده‌ام و بعضی داستان‌های کلیله و دمنه که کوتاه و در حد چند خط بوده‌اند با این بازآفرینی تبدیل به داستان‌های بلندتری شده‌اند. تقریباً تمام داستان‌های کلیله و دمنه را که برای بچه‌ها جذاب بودند به این شکل بازآفرینی کرده و در واقع جنگ میان بد و خوب و کینه و دوستی را که در سراسر کتاب کلیله و دمنه جریان دارد با زبان ساده بیان کرده‌ام. این داستان‌ها پر از پند و اندرز است که در قالب قصه‌ها و ماجراهای شیرین برای بچه‌ها روایت شده است. به همین دلیل به‌نظر من خواندن آن برای بچه‌ها جذاب است و البته باعث می‌شود با این شاهکار ادبیات فارسی هم آشنا شوند. این کتاب برای بچه‌های گروه سنی ۶ و ۷ مناسب است و در آستانه فصل تابستان و آغاز تعطیلات تابستانی می‌تواند گزینه خوبی برای گذراندن اوقات فراغت‌شان باشد. تا جایی که می‌دانم بچه‌ها هم از این کتاب و داستان‌هایش استقبال کرده‌اند و چندین بار تجدید چاپ کتاب همین مسأله را نشان می‌دهد.

- قصه‌های شیرین کلیله و دمنه**
- بازنویسی و بازآفرینی؛**
- داوود لطف‌الله**
- نشر: پدپایش**



عکس نوشت

می‌گویند ژاین هتل‌های متفاوت و هیجان‌انگیز زیادی دارد، یکی از این هتل‌های هیجان‌انگیز هتل‌هایی برای علاقه‌مندان کتاب است، به‌عنوان مثال هتل هنر «مانگا» که بیش از ۵هزار عنوان کتاب کمیک ژاپنی دارد یا هتل محل تفریحی «هاگون مونباکو» که دیوارهایش از کف تا سقف از کتاب پوشیده شده است. آن‌طور که خبرگزاری کتاب‌نوشته است قرار است هتل کتابخانه‌های جدیدی هم در این کشور احداث شود.

موفقیت‌ام ارتباط زیادی دارد بازود از خواب بیدار شدن، سخت‌کوش‌ترین آدم جمع بودن، کمک خواستن، تحمل شکست دوباره و دوباره و کار کردن مداوم برای پیشرفت خودم.



خودت باش دختر
نوشته ریچل هالیس
ترجمه هدیه جامعی

یادداشت



فریبا رمضانبور
دوبلور پیشگوست

باید بگویم شرایط دوبله در دوران کرونا سخت‌تر شد. آن هم نه از نظر اقتصادی بلکه از نظر نحوه کار دراین شرایط که نیاز به رعایت مسائل بهداشتی است. زمانی که کرونا نبود، همه با یکدیگر پشت یک میز می‌نشستیم و در یک روز یک فیلم سینمایی را دوبله می‌کردیم. این ویژگی کار دوبله است که کار دوبله باید دور هم انجام شود. دیالوگ‌ها در کنار هم قطعاً بهتر ادا می‌شود. چرا که ما در کنار هم و با هم باید آن نقش‌ها را دوباره بازی کنیم و با شنیدن صدای یکدیگر لحن و کلام‌مان را با هم تطبیق دهیم به عبارت بازگویی باید بده و بستان داشته باشیم. این امر خود در پیشرفت و کیفیت کار دوبله بسیار مؤثر است. اما از زمانی که کرونا شیوع پیدا کرد، ما دوبلورها برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی مجبور شدیم طبق شیوه نامه‌های وزارت بهداشت عمل کنیم. من از آن زمان دیگر مدیر دوبلاژ نیستم و فقط گویندگی می‌کنم. هر نفر به صورت مجزا وارد اتاق دوبله می‌شود تا پروتکل‌های بهداشتی رعایت شود و هرکدام به صورت انفرادی سریال‌ها و فیلم‌ها را دوبله می‌کنیم بدون اینکه همدیگر را ببینیم. قطعاً کیفیت کار دوبله مانند زمانی که همه دور هم بودیم و کار دوبله انجام می‌دادیم نیست اما با این‌حال دوستان زحمت بسیاری می‌کنند تا از کیفیت کار کم نشود و با این اوصاف که به سختی کار انجام می‌شود اما مردم شاهد فیلم‌هایی با کیفیت خوب دوبله هستند.

اما اگر بخواهم از شرایط کرونا بگویم باید به این نکته اشاره کنم که این شرایط برای بسیاری از هنرمندان از نظر کاری خوب نبود، اما به همین دلیل صنعت دوبله ایران پیشرفت خوبی کرد. آن هم به‌خطر ظهور شبکه‌های اینترنتی مثل نماوا، فیلم‌بو یا گپ است که نیاز به دوبله سریال‌ها و فیلم‌های خارجی دارد، با آمدن شبکه خانگی و آوردن فیلم‌ها و سریال‌های بیشتر کار ما هم بیشتر شد، البته باید بگویم که این اتفاق خوشایند ریطی به شرایط کرونا هم نداشت و برای صنف دوبله اتفاق خوشایندی محسوب می‌شد. چون شرایط اقتصادی هنرمندان دوبله بهتر شد و همکاری‌هم نسبتاً از این شرایط راضی هستند. تاکنون فیلم‌های بسیاری دوبله کرده‌ام اما در بین فیلم‌هایی که تاکنون حرف زده‌ام فیلم «بازی‌های گرسنگی» را دوست دارم که چند سال پیش به جای جنیفر لارنس حرف زدم. این فیلم با این بازیگر در واقع معرفی شد و من هم بازی جنیفر را خیلی دوست دارم.

کار دوبله به‌درستی انجام می‌شود و ما دوبلورها آینده دوبله ایران را می‌سازیم. من همیشه سعی کردم نسبت به کارم مسئولانه عمل کنم و تحت هر شرایطی کار خوبی ارائه بدهم. این فقط مربوط به دوبله و کارم نیست بلکه در هر حیطه‌ای یاد گرفتم اینگونه باشم، چه در حیطه مادر و فرزندی نسبت به فرزندم و چه در حیطه پدر و مادری نسبت به والدینم سعی کردم مسئولانه عمل کنم. اگر هر کسی در هر موقعیتی مسئولانه کارش را انجام دهد قطعاً آینده بهتری برای آن کار می‌توان متصور بود. من به آینده خوشبین هستم و فکر می‌کنم اگر کار به صورت درست انجام شود محصولش هم درست است. جوان‌هایی هم که وارد صنف دوبله می‌شوند سعی‌شان را می‌کنند و امیدوارم با یاری خداوند به نتیجه هم برسند.

